

ورزش صحنه مردی و مردانگی

دنیای ورزش، صحنه مردی و مردانگی، افتادگی و تواضع است. آنهايي که مغرورند و متکبر، در ورزش نمی توانند ره به جایی ببرند و اگر روزگاری نیز چرخ بر مراد آنها بچرخد در دراز مدت جز حسرت و افسوس و ناکامی و بی آبرویی در این صحنه چیز دیگری درو نخواهند کرد. ورزش افرادی صادق، متواضع، راستگو، بی ریا، دوران‌دیش، بلند همت، مخلص، عادل، شاکر، فروتن، بردبار، با غیرت و دارای اخلاق حسنه را طلب می کند. افراد مغرور که جز خود را نمی بینند و جز خودکس دیگری را باور ندارند و بجز خود نمی توانند فرد دیگری را موفق و کامکار ببینند در ورزش راه به جایی نمی برند.

ممکن است مدت زمانی افراد مغرور در سایه بله قربان گویی عده ای خود فروخته در ورزش خودی نشان بدهند و مسئولیتی را برعهده بگیرند و در این مدت برکسانی که برخلاف آنها فکر می کنند بدی نمایند و جلو رشد استعدادها و جوان و مستقل را بگیرند ولی در نهایت به مرور مشت آنها باز شده و کم کم با مشخص شدن هویت آنها بادمجان های دور بشقاب اطراف آن افراد را خالی می کنند تا به مرور حق به حقدار برسد و مسئولیت ها به صاحبان اصلی بازگردانده شوند.

انسان تا زمانی که گرفتار نفس و خودخواهی است و خویشان را همه کاره و فعال مایشا در جهان می پندارد، همین که خود را نسبت به دیگران در زمینه ای ولو اندک دارای برجستگی یا امتیازی می یابد، منفعل گشته و خود را بزرگتر و برتر از دیگران پنداشته و برای خویش جایگاه و منزلتی ویژه قائل می شود.

تکبر و غرور از بزرگ ترین خصلت های ناپسند و در زمره بیماری های خطرناک روحی است که اگر با آن مبارزه نشود، زمینه ساز پیدایش گناهان، کج روی ها و رذایل زیادی خواهد گردید که دنیا و آخرت آدمی را در معرض نابودی قرار می دهد

مفهوم تکبر

عالمان اخلاق گفته اند: تکبر آن است که انسان خود را برتر و بزرگ تر از دیگران پنداشته و پندار باطل درونی خویش را در عمل ابراز نماید.

افراد متکبر و مغرور چون خود را برتر از دیگران می دانند در هر مسئولیتی که باشند انتقاد پذیر نیستند. به این افراد تا گفته شود که بالای چشمشان ابروست برافروخته شده، زمین و زمان را به هم می دوزند، حرف های ناشایست بر زبان جاری می سازند، تهدید می کنند، به خیال خود منتقدین را می ترسانند و با اطرافیان خود فروخته برای

خاموش کردن منتقدین اقدام می کنند غافل از آنکه چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.

افراد مغرور دوست دارند که همه از آنها تعریف و تمجید نمایند. هر کار آن ها را منشاء خیر و برکت بدانند. مقام بیستم آنها را اول تلقی کنند و خلاصه در مقابل اقدامات آنها حرفی نزنند چرا که آنها محق هستند و هر چه گویند و امر نمایند باید اطاعت شود.

حضرت امام صادق (ع) می فرمایند: رسول خدا فرمودند: کسی که تکبر بورزد خداوند او را پست و خوار می سازد و حضرت علی (ع) ضمن وصایای خود به امام حسین (ع) می فرمایند: کسی که نسبت به مردم تکبر ورزیده، بزرگی می فروشد، ذلیل می شود. و باز آن حضرت می فرمایند:

کسی که تکبر ورزیده و بزرگی بفروشد مورد تحقیر واقع می گردد. متکبر و حجاب های تیره عقل

تکبر از حجاب های تیره عقل است. هر اندازه که این خوی ناستوده در انسان ریشه دار گردد، به همان اندازه از فروغ عقل و در نتیجه از قدرت وصفای قضاوت آن کاسته و برتری و حجاب های تاریک آن افزوده می گردد. امام باقر (ع) می فرمایند: در دل هیچ کس کبر (خواه کم باشد یا زیاد) وارد نمی شود مگر آنکه از عقلش به همان اندازه کاسته شود و امیرامومنان مولا علی (ع) می فرمایند: بدترین آفت های عقل کبرورزی است.

اعمالی که از افراد متکبر و مغرور سر می زند و موجب تعجب همگان می گردد چیزی جز افتادن آنها در دام شیطان و دادن عقل از دست نبوده و نیست. وقتی آدم مغرور می شود خواهی که می خواهد دهان منتقدین را ببندد و جز تعریف و تمجید از خود چیز دیگری را نشنود نشان دهنده رفتار غیر منطقی وی بوده که مورد قبول جامعه نمی تواند باشد. منشاء کبر

کبر و غرور و خود برتر بینی از عوامل گوناگونی سرچشمه می گیرند که به برخی از آنها به طور خلاصه اشاره می شود. عقده حقارت

دانشمندان امور تربیتی بر این نکته ظریف تاکید دارند که هر نوع انگیزه سلطه طلبی، غلبه جویی، برتری خواهی و کبر و غرور ریشه در احساس امنیت روحی داشته و از عقده حقارت سرچشمه می گیرد. پدری که نسبت به فرزند خود بزرگی به خرج داده، بیش از طاقت و توان او از وی انتظار دارد، صاحب کاری که با زیردستان خود با خشونت رفتار می کند، ورزشکار و یا مسئول هیئتی که خود را برتر و بالاتر دانسته و حرف کسی را قبول ندارد همه ریشه در بیماری های روانی و خصوصاً "عقده حقارت دارد.

جهل و نادانی

انسان سراسر ضعف و عجز و ناتوانی است . هزاران نقص و نیاز وجودش را فرا گرفته و با اینکه به شدت از جنبه های مختلف آسیب پذیر است، در اثر ناآگاهی از حقیقت خویش ، امتیازات و کمالاتی را در خود توهم کرده ، به کبر و غرور مبتلا می گردد و به مدد حب نفس و علاقه شدید به خویشتن ، دیگران را ناقص تر ، پایین تر و فاقد کمالات و امتیازات خیالی خود به حساب می آورند.

کمبود ظرفیت

افراد متکبر اگر با دیده انصاف به دستاوردهای ناچیز خود نظر کنند ، نه تنها بضاعت اندک خود را به رخ دیگران نخواهند کشید بلکه خوبی در می یابند که وصف کار آنان یا اساساً " فاقد ارزش است و یا در برابر اقدامات دیگران بسیار بی ارزش و ناچیز است.

انسان باید بدور از هر گونه کبر و غرور آن ظرفیت را داشته باشد که نقل و قول ها را بشنود، حقایق را بپذیرد و برای از بین بردن ضعف ها و کاستی ها اقدام کند.

سوء تربیت

از عوامل بسیار موثر در پیدایش خوی خود پسندی و خود برتر بینی ، رفتار نادرست کسانی است که خصوصاً در دوران کودکی در تربیت و شکل گیری استعداد های درونی کودک ایفای نقش دارند. در خانواده ای که پایه های اخلاق ، مردی و مردانگی حاکم نبوده و زورگویی و ستمگری و چاپلوسی و ریا در آن حاکم باشد می تواند هر یک به سهم خود بذر خود پسندی و غرور در کودکان بپاشند و آنها را افرادی متکبر و

مغرور